

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی



۰۷ اکتوبر ۲۰۱۱

با شعار مرگ بر امپریالیزم، «هفتم اکتوبر» را تقبیح نمائیم!

امروز ده سال از روزی می گذرد که امپریالیزم امریکا با حمایت مستقیم جنایتکاران مذهبی به کشور ما یورش آورد و با تجاوز آشکار و مستقیم و نصب وحوش پوشالی از جنس جهادی، طالبی، تکنوکراتی و... عملاً سرزمین زیبای ما را به مستعمره اش میدل ساخت و خلق رنجیده و ستمدیده ما را با اصطلاحات فریبنده و کاذب «حقوق بشر»، «دموکراسی» و «عدالت خواهی» زیر اسارت جنایتبارش درآورد.

یکی از خصلت های ماهوی اقتصاد امپریالیستی، بحران اقتصادی می باشد و تاریخ نشان داده است که امپریالیست ها چگونه به خاطر نجات از بحران خود به سرزمین های دیگر تجاوز می کنند؛ نمونه بارز آن تجاوز اشغالگرانه کنونی امریکا و شرکای امپریالیستش بر کشور ما می باشد که محور اصلی آنرا سود اقتصادی می سازد.

نظام سرمایه داری خونخوار جهانی که امپریالیزمش می خوانیم، ذاتاً و از نظر ساختاری بحران زا و بحران آفرین است. سردمداران این نظام برای نجات از بحران به هر چه از دست شان برآید، مشروع و نامشروع، در داخل و خارج کشورهای شان دست می زنند. دو جنگ جهانی که دهها میلیون انسان را به کام مرگ کشاند و ویرانی نیم جهان را در پی داشت، برای نجات سرمایه از بحران های ذاتی اش جهت سودآوری بیشتر برای سرمایه داران، به راه افتاد. در هر گوشه جهان که جنگ و خونریزی و ویرانی به وقوع پیوسته و یا اتفاق می افتد، در آن پای سود و منافع حکام و سرمایه داران در میان بوده و می باشد.

سوسیال امپریالیزم شوروی سابق که نوعی نظام سرمایه داری بروکراتیک بود، نه از قدرتمندی، بلکه برای نجات سرمایه داری از بحران و مشکلات عمیق اقتصادی - اجتماعی درونی اش، تأمین سود و منافع ممتدی سرمایه دار حاکم بر آن و انتقال بحرانی که دامنگیرش بود، با همکاری پوشالیانش به کشور ما حمله نمود و باعث کشتار

بیش از دو میلیون انسان از هر دو جانب جنگ، ویرانی افغانستان و شکست مقتضحانه و تجزیه و تلاشی امپراتوری خود گردید، بگذریم از این که رقابت های امپریالیستی امریکا و شوروی نیز در تشویق بیشتر این اشغال نقش چشمگیر داشت؛ با این اشغال فقط سرمایه داران شوروی ثروتمندتر شدند و تعداد معدودی با انجام چنین جنایاتی به صف میلیونرها و میلیاردرها پیوستند، ولی قربانیان اصلی این جنگ استعمارگرانه، توده های میلیونی جمهوریت های شوروی و افغانستان بودند.

امریکا نیز به کشور ما از قدرتمندی لشکرکشی نکرده، بلکه ضعف و بحران خود را به بیرون انتقال داده است. امریکا قبل از اشغال کامل افغانستان در بحران عمیقی دست و پا می زد و نابه سامانی های اقتصادی - اجتماعی سرپای امریکارافرا گرفته بود که تا هنوز هم ادامه دارد. قرارگزارش NCCP-ColombiaUniversity، پانزده میلیون طفل (۲۱% همه اطفال امریکا) در امریکا زیر خط فقر زندگی کرده و ۴۲% اطفال امریکا در خانواده های کم درآمد زندگی دارند که روزمره با فقر و تنگدستی در آن بزرگترین اقتصاد دنیا دست به گریبان اند. بر اساس گزارش heartsandminds.org، ۲۲% امریکائی های زیر هجده سال و ۲۵% زیر دوازده سال گرسنه اند. طبق گزارش Madison Park منتشره در بخش صحتی سی. ان. ان به تاریخ هجدهم سپتمبر ۲۰۰۹ به نقل از ژورنال صحت امریکا، سالانه چهل و پنج هزار امریکائی غیر بزرگسال به دلیل نداشتن بیمه صحتی و عدم دسترسی به خدمات طبی می میرند. و بر بنیاد گزارش رسانه خود امپریالیست های امریکائی (صدای امریکا)، در سال ۲۰۱۰ دو ملیون و شش صد هزار نفر به صفوف فقراء در امریکا اضافه شده اند. در مجموع بیش از ۴۶ میلیون نفر در امریکا یا زیر خط فقر و یا در خط فقر قرار دارند که این بالاترین تعداد در ۵۰ سال گذشته است. بیکاری بزرگترین دلیل فقر در امریکاست که در حال حاضر در حدود ۱۴ میلیون امریکائی بیکار هستند و تنها در بحران اخیر ۷ میلیون نفر شغل شان را در این کشور از دست داده اند، و بی جهت نیست که از چند روز به اینسو طبقات زحمتکش امریکائی، اطراف بازار بورس (وال ستریت) را محاصره کرده اند و فریاد می زنند که از حقوق ۹۹ درصد مردم امریکا در برابر یک درصد طبقه مرفه و ثروتمند دفاع می کنند؛ این زحمتکشان شعار می دهند: «ما اکثریت هستیم، ما ۹۹ درصد هستیم، و دیگر خاموش نمی مانیم». و این در حالیست که امریکا از آغاز بحران مالی تا اکنون تریلیون ها دالر را به نام های گوناگون به حساب نهادهای مالی، بانکها و شرکت های مالی واریز کرده است تا سیستم کاپیتالیستی را نجات دهد. به اساس گزارش روزنامه ویسا منتشره ۲۹ سنبله ۱۳۹۰، امریکا پس از یازدهم سپتمبر تا آخر ماه سنبله سال روان، ۳۴ تریلیون و ۲۸ میلیارد دالر در جنگ اشغالگرانه افغانستان و عراق به مصرف رسانده است. امریکا یکی از کشورهایی است که بلندترین سطح قرض در جهان به آن ارتباط می گیرد که در حال حاضر مبلغ آن به بیشتر از ۱۴.۳ تریلیون دالر می رسد. ناگفته نباید گذاشت که متحد دیگرش، بریتانیا این امپریالیست پیر نیز از لحاظ اقتصادی در وضعیت بحرانی قرار دارد و شورش های فقرای این کشور در حدود یک ماه قبل نشان می دهد که وضعیت زحمتکشان در این کشور به چه منوالی به پیش می رود. تازه بی بی سی گزارش می دهد که در حال حاضر در میان کشورهای توسعه یافته، بریتانیا دارای بلندترین آمار فقر کودکان می باشد و بیشتر از سه میلیون و پنجمصد هزار کودک در این کشور در فقر شدید به سر می برند.

در جست و جوی راه حل این بحرانها و ورشکستگی ها بود که باندهای جنایت پیشه «محافظه کاران نو» امریکا، راه تجاوز به دیگران را برگزیدند و اشغال مناطق سودآور و ستراتیژیک جهان را در دستور کار شان قرار دادند. باند جانی بوش- رامسفلد و شرکای جهانی اش که به جنگ افروزترین گروههای سرمایه متعلق بود، در اجرای این برنامه شوم، یعنی جنگ و غارت خلق ها موظف گردید. این باند نیز با پیش کشیدن ترندهای گوناگون

به عنوان اولین گام در این راستا، عروسک خیمه شب بازی به نام «شورای امنیت ملل متحد» را وسیله قرار داده و گویا با تأیید این نهاد، به تاریخ هفتم اکتوبر ۲۰۰۱، امریکای جهانخوار و متحدینش با طیارات ب.۵۲ و راکت های آخرین مدل، به همدستی باندهای مزدور و جنایت پیشه جهادی و تکنوکراتی اش به کشور در خون تپیده ما تجاوز مسلحانه نمود و آن را به طور کامل به اشغال خود درآوردند؛ گروه مزدور و بنیادگرای طالب را کنار زدند و مزدوران جنایتکار دیگر شان را از بقایای سه رژیم شکست خورده و منفور گذشته بر کرسی های پوشالی نصب نمودند.

امپریالیزم امریکا با این اشغال جنایتکارانه، اهداف ستراتیژیک مهم و درازمدت سیاسی، اقتصادی، نظامی و جیوپولیتیکی در افغانستان و منطقه دارد که تا دست یافتن به آنها افغانستان و منطقه را ترک نخواهد کرد: تأسیس پایگاههای نظامی دائمی از رؤیاهای تمام جهانخواران بوده که به عنوان یک هدف ستراتیژیک، امریکا به آن دست یافته است و اکنون تلاش دارد که از طریق امضای پیمان ستراتیژیک با دولت پوشالی، به شکل «رسمی» و «قانونی» به آن برسد. دسترسی به منابع سرشار معدنی و طبیعی دست نخورده افغانستان که میلیاردها دالر ارزش دارد، هدف دیگر امریکا و متحدین آن می باشد (به اساس سروی اخیری که اداره سروی و جیولوجی امریکا در ۳۰ درصد خاک افغانستان انجام داده است، واضح گردیده که در این منطقه به ارزش بیشتر از ۳ تریلیون دالر ذخایر معدنی موجود است). تصرف بازارهای تجارتي افغانستان و از این طریق دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی با نفوس و منابع وافر شان برای صدور سرمایه و کالا، هدف دیگر امریکاست؛ دسترسی و تسلط به منابع سرشار نفت و گاز آسیای مرکزی و بحیره کسپین و صدور نفت و گاز آن با احداث پایپ لین از طریق افغانستان در زمره اهداف مهم امریکاست و تهدید چین و ایران نیز نمی تواند جزء برنامه های ستراتیژیک این امپراتوری نباشد.

و اما پیامدهای جنایتبار این جنگ اشغالگرانه امریکا و متحدینش برای کشور ما به طور بی سابقه اسارتبار، تباه کن و بنیان برافکن بوده است: سلب آزادی، خود ارادیت و حق حاکمیت ملی، تحمیل جانپان دست نشانده اجانب بر مردم ما و به طور کل اشغال کشور ما به وسیله ۴۹ کشور و ۱۵۰ هزار سرباز زشت ترین و دردآورترین پیامد این تجاوز است. از آغاز تجاوز یعنی از همان هفتم اکتوبر ۲۰۰۱، روزی نیست که هم میهنان عزیز و زحمتکش ما به خاک و خون نخلتند و خانه و کاشانه و داروندار شان به آتش و ویرانی کشیده نشود، و شاهد جنایت قتل عام در کنر، شیندند، بالابلوک، ارزگان، هلمند، کندهار، زابل، غزنی، جلال آباد، خوست، پکتیا، لوگر و... نباشیم. آوارگی مردم، مرگ و میر ۳۰ درصد کودکان به خاطر بیماری چون اسهال، تولید مواد مخدر به ارزش ۶۱ میلیارد دالر در یک سال، یک و نیم میلیون معتاد، دو میلیون بیوه، به طور اوسط هر هفته یک مورد تجاوز جنسی، ۵۰ هزار حمله هوایی در یک سال، ۱۷ میلیون بی سواد، ماهانه ۵۰ کشته در انفجار ماین، افزایش سه میلیون نفر به تعداد قبلی به خط زیر فقر، گرسنگی، بی سرپناهی، فساد گسترده، چور و چپاول چهار میلیون هکتار زمین به وسیله ستمگران؛ توهین و تحقیر، بازی و تفریح با اجساد هم میهنان ما، زندان، اختطاف، انتحار و انفجار همه از پیامدهای همین تجاوز است.

با این تجاوز، تمام هستی و دارائی ملی ما زیر نام خصوصی سازی و بازار آزاد به غارت برده می شود و اشغالگران و خیانت پیشگان بومی همراه شان دارائی های ملی ما را تصاحب می نمایند. تازه ما تا دهها سال دیگر باید قرض های نگرفته را هم بپردازیم. کشت و قاچاق مواد مخدر و تبدیل افغانستان به آشپزخانه مواد مخدر جهان که قربانیان اصلی آن دهقانان زحمتکش هستند و منفعت میلیارد دلری آنرا مافیای مواد مخدر، به ویژه امریکا،

انگلیس و کانادا به جیب می زنند؛ سهم مردم ما از آن، بدنمایی، اعتیاد، وابستگی به مواد اولیه خوراکی و فقر مزمن است، که اینها همه از پیامدهای این اشغال به حساب می رود.

با اینحال توده های ستمدیده و خلق قهرمان ما که پوتنسیل و انرژی مبارزات ضد تجاوزی تا طرد تجاوز را در اعماق وجود شان نهفته دارند و در طول تاریخ بارها از آن به شکل حیران کننده ای بهره گرفته اند، تا هم اکنون به دلایل گوناگون نتوانسته اند آنرا به کار گیرند. یکی از عمده ترین دلایل آن نبود ستاد آگاه، متعهد و انقلابی بسیجگر، سازمانده و هدایتگر چنین رستاخیز بزرگیست که بتواند در پرتو ایدئولوژی انقلابی، مترقی و پیشرو و با استفاده از تجارب مثبت و منفی گذشته آنرا به سود منافع وطن و مردم ما برپا و رهبری کند. بر چپ انقلابی است که اینبار نگذارد با استفاده از ضعف و کمبود و ژولیده فکری، لاشخواران مزدوری زیر نام های راست و یا «چپ» بار دیگر خلق ما را به مصیبت دردناکیز دیگری از نوع آنچه هم اکنون در جریان است، گرفتار نماید.

حال دیگر مردم ما در یک تجربه خونین و دردناک، جنایت های خلقی ها و پرچمی ها را با شعار کاذبانه «سوسیالیسم» و خیانت های فاشیست های مذهبی (جهادیان و طالبان) را با شعارهای اسلامی و استعمار دموکراسی کاپیتالیستی را با شعار «حقوق بشر» از نزدیک آزموده اند که همه و همه جز تجاوز، خونریزی، وحشت، ویرانی، فقر و تنگدستی، مواد مخدر، فساد اخلاقی و اجتماعی، تحمیل فرهنگ های ارتجاعی و غیر انسانی، و طغفروشی و از خود بیگانگی، جاسوسی اجانب و... چیز دیگری برای مردم ما به ارمغان نیاورده است.

در شرایط فعلی فقط ستاد رزمنده، آگاه، منضبط و با برنامه، متشکل از تمام سازمان های انقلابی مارکسیست، اتحادیه ها و نهادهای کارگران و زحمتکشان و فرزندان راستین و صدیق این وطن قادر خواهد شد کشتی گیر افتاده در شکنج امواج استعمار - ارتجاع را با قبول رنج پیکاری سخت، به یاری بیدریغ و شرکت فعال خلق ها در مبارزه رهایی بخش به ساحل آزادی و وارستگی رهنمون شود و دست امپریالیسم و ارتجاع را برای همیشه از سر وطن و مردم ما قطع کند و با وحدت اصولی ریشه های استثمار را در مبارزه بی امان طبقاتی، از بیخ و بن بر کند.

ایجاد چنین ستادی وظیفه اولیه مبارزان پاکباز کشور ما است که باید با دقت و بدون ضیاع وقت برای آن کار نمایند. اینک ما امضاء کنندگان این اعلامیه، دروازه ورود به نخستین مرحله این آرمان بزرگ را دق الباب نمودیم و امیدواریم با عملکرد صادقانه و دور از خود مرکزبینی، جرسی را به این کاروانیان و ارسته به صدا درآوریم. دست ما به سوی تمام اینگونه مبارزان راستین، گروهی و منفرد، صمیمانه دراز است تا بتوانیم به کمک همدیگر و با کار و پیکار مشترک در میدان مبارزه و در متن حوادث با درک نیازهای واقعی جنبش، اولین گام های مشترک را در مبارزه رهایی بخش علیه امپریالیسم و ارتجاع برداریم.

این ستاد وظیفه می گیرد که کلیه نیروهای وطنپرست و آزادیخواه را به دور برنامه آزادیخواهانه ملی، مترقی و انقلابی مکی بر منافع اکثریت مردم در جبهه گسترده واقعی ضد امپریالیسم، ارتجاع و دولت پوشالی، به اساس آئین نامه دموکراتیک بسیج نموده و تا طرد کامل هرگونه تجاوز با تمام ابعادش، و رسیدن به آزادی کامل کشور، رهنمون گردد.

به پیش به سوی وحدت اصولی و رزمنده نیروهای انقلابی راستین!

مرگ بر اشغالگران امریکایی و متحدین شان!

مرگ بر مرتجعین داخلی و بداران منطقه نی شان!

به پیش به سوی جامعه ای فارغ از استعمار، استثمار و ستم!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ادامه دهندگان) - سازمان انقلابی افغانستان

هفتم اکتوبر ۲۰۱۱